

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران سازمان حج و زیارت - 1 / آذر / 1385

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به مجموعه ی خدمتگزاران مفتخر و کارگزاران موفق مراسم عظیم حج خوش آمد عرض می کنیم. حقیقتاً خدمت در این میدان در هر رده ای، موجب افتخار انسان است. نیتها را در کار حج و کارگزاری حج، باید خیلی فراتر از مقاصد معمولی و کوچکی برد که ما انسانها دچار آنها هستیم. علت هم این است که افق در امر حج، بسیار بالاست. «حج» یک فریضه ی پُرظرفیتی است که اگر درست عمل شود و آنچنان که شارع مقدس خواسته است در هر دوره و زمانی، متناسب با آن زمان به شکل شایسته ای انجام بگیرد، تأثیرات آن علاوه بر تأثیرات فردی و ملی، تأثیرات بین المللی خواهد بود. ما دیگر کدام واجب را داریم که این طور باشد. این عمل و فریضه، هم دل و روح و باطن خود انسان حج گزار را تصفیه می کند، نورانی می کند و به خدا نزدیک می کند؛ با استغفار و با تضرع و مناجات الهی آشنا و معنوی می کند؛ هم بر روی مسائل یک ملت اثر می گذارد؛ چون بخشی از مردم یک ملت وقتی در یک جهت خاصی، در یک سفری و با یک هدفی رفتند و برگشتند، همگرایی آنها قهرماً بیشتر می شود و سطح معنویت و اخلاق ملی بالا می رود. و هم علاوه ی بر اینها بین المللی است؛ چون ملتها با اشتراکاتی که دارند، فارقتها و تفاوتهایی هم با هم دارند که آنها را از هم جدا می کند و احیاناً انگیزه های خصمانه ای نسبت به یکدیگر در آنها به وجود می آورد. «حج» موجب می شود که این فارقتها کم رنگ شود و آن جهات اشتراک و اتحاد بین ملتهای گوناگون برقرار گردد. بنابراین ما هیچ واجبی را با این ابعاد گسترده و عظیم نداریم.

علت این هم که به ما گفته اند این عملیات را با هم انجام بدهید، در یک «فی ایام معدودات»، «فی ایام معلومات» در یک وقت معینی باید انجام بدهید، همه در این موعد و در این میقات باید جمع بشوند، به نظر می رسد همین باشد که خواسته اند این آثار، ابعاد بین المللی پیدا کند. والا می گفتند هر کسی در طول سال، هر وقت خواست بیاید همین عملیات را انجام بدهد. این را نگفته اند؛ مثل عمره؛ در عمره هر کسی هر وقتی خواست، می رود انجام می دهد، عمل مستحبی است؛ اما حج این طور نیست. حج باید در یک وقت معینی باشد؛ می خواهد همه آنجا جمع شوند. برای چه جمع بشوند؟ جمع بشوند که با هم دعوا کنند؟ «لا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج»؛ پس جمع شدن برای دعوا کردن نیست، برای احساس بیگانگی از هم نیست؛ پس برای چیست؟ برای همین احساس اتحاد و یگانگی است؛ این احساس را در خود و طرف مقابل به وجود آوردن است. حقیقتاً دنیا و آخرت در قضیه ی حج گنجانده شده است؛ این ظرف بسیار وسیع و پُر استعداد و پُر ظرفیتی است که از این می شود استفاده کرد. اگر من و شما - هر کدام - در یک بخشی، در یک رده ای تلاش کنیم که این ظرفیت شناخته شود و از آن استفاده بشود، آن وقت اجر و پاداش خواهد داشت. لذا این عمل، بسیار عمل مهمی است و کارگزار آن هم حقیقتاً باید احساس افتخار کند.

آنچه که در حج باید مورد توجه باشد - بارها هم گفته شده است؛ هم ما عرض کردیم، هم دیگران گفته اند - آن همین است که: حج به معنای حقیقی خود نزدیک بشود. البته این یک لوازمی نیاز دارد. یکی از لوازمش همین «آمادگی قبلی» است. آدمی را بدون آمادگی قبلی ببرند در حج رها کنند، یقیناً استفاده ی صحیحی نخواهد کرد؛ بنابراین باید از قبل او را آماده کنند. این یک وظیفه است. یکی از کارهای سازمان حج و بعثه ی مربوط به این کار، باید این باشد: مردمی را که می خواهند مسافر حج بشوند، از پیش در اینها ظرفیت و آمادگی به وجود بیاورند. البته حالا هم هست، اما این باید بیشتر شود؛ با تهیه ی کتاب، با برنامه ریزیهای گوناگون، با آموزش و بیان مسائلی که احتیاج دارند بدانند - چه مسائل فقهی، چه مسائل اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و معنوی و عبادی و عرفانی و ... بنابراین یکی از کارها، ایجاد آمادگی در مسافر حج است.

یک مطلب دیگر این است که: «حج و فضای آن را از انگیزه های دنیایی و مادی - تا آن جایی که ممکن است - تخلیه کنند.» این خیلی مهم است؛ چون یکی از شاخصهایی که در حج در نظر گرفته شده است، این است. می

گویند در حج شما حق ندارید بوی خوش استعمال کنید، اگر از جایی گذشتید که بوی ناخوشی هست، حق ندارید بینی تان را بگیرید. البته اینها خیلی معنا دارد. حج جایی است که باید هر چه ممکن است انسان از انگیزه های دنیوی و مادی جدا و دور بشود. البته ما نمی خواهیم سفارش کنیم که به حجاج آنجا گرسنگی بدهید یا جای بد بدهید، نه؛ پذیرایی از حجاج و مسکن و غذا و تأمین آسایش جسمانی شان که بتوانند به مسائل معنوی بپردازند، خود این یکی از کارهای مهم است؛ این را ما نمی کنیم. اما این انگیزه های مادی را تا آنجایی که ممکن است، باید از دلها خارج کرد؛ این انگیزه ی بازارگردی و سوغات خری و اینها را باید کم کرد؛ نگاه به حج به صورت یک سفر گردشگری یا خدای نکرده با یک اهداف دیگر، که دیگر آنها قابل ذکر هم نیست. ولی این نفس و هوای انسان، انسان را به خیلی جاها می کشاند. باید اینها را مراقبت و جلوگیری کرد. این انگیزه های مادی باید در حج - چه در حاجی، چه در همراه، چه در کارگزار - دور شود؛ این هم یک نقطه است که اگر بخواهیم از آن ظرفیت عظیم استفاده کنیم، یکی از شرایطش این است.

یکی دیگر از شرایط، همین «مسئله ی اتحاد مسلمین» است. حج باید آئینه ی اتحاد باشد، نه آئینه ی اختلاف. اگر قرار باشد ما همه یک جا جمع بشویم تا در آنجا یکی به یکی بگویند تو بدی، آن دیگری بگویند تو بدتری؛ این چه جمع شدنی است! اگر اختلافی هم وجود دارد، جای بروزش آنجایی نیست که خدای متعال فرموده است: جمع بشوید تا «لشبهدوا منافع لهم» که منافع خودشان را در آنجا به دست بیاورند. بعضیها - حالا نگاه خوش بینانه همین است که بگوییم کج سلیقگی است، والا اگر به چشم بدبینانه نگاه کنیم، حرفهای دیگر هم می شود زد - حج را جایی قرار می دهند برای دندان نشان دادن و لج کردن و چهره در هم کردن نسبت به اختلافات فرقه ای و طائفی؛ شیعه و سنی را آنجا مقابل هم قرار دادن. چقدر باید به ما بگویند تا باور کنیم که امروز بیش از گذشته اختلافات شیعه و سنی یکی از محورهای اساسی است که دشمنان اسلام دارند رویش سرمایه گذاری می کنند. حاضرند پولهای کلان خرج کنند که شیعه را علیه سنی و سنی را علیه شیعه تحریک کنند. یک عده بی عقلهایی هم هستند که بدون اینکه از این پولهای کلان هم بگیرند، برای استکبار همین هدف را مفت و مجانی تأمین می کنند. خوب چرا؟ این خطایی است که معلوم نیست خدای متعال از آن بگذرد. خدای متعال همه ی مسلمانها را در یک مرکز واحدی جمع کند که واضح ترین منافع آن، احساس اجتماع، احساس اتحاد و احساس یگانگی است؛ آن وقت در این مجمعی که برای احساس بیگانگی به وجود آمده، ما بنا کنیم در این گوشه و آن گوشه، به سر و کله ی هم زدن و اختلاف را تشدید کردن! این لج کردن با خدا نیست؟! ما - نه فقط تحلیلاً، از روی اطلاع عرض می کنم - می دانیم که در خود آن مراکز، دستهای استعمار کسانی را گماشته اند تا اینکه این اختلافات را تشدید کنند؛ یعنی آنجا افراد مأموری هستند که اصلاً مأموریتشان همین است که یک بهانه ی کوچکی از یک شیعه ای پیدا کنند، جنجال راه بیندازند، تکثیر کنند، فحش بدهند، اهانت کنند و دعوا راه بیندازند. اگر هم خبر نداشتیم، تحلیل هم این را نشان می داد؛ دلیلی نداشت که دشمنان وحدت اسلامی از این فرصت و امکان عظیم حج برای این مقصود استفاده نکنند؛ خبر هم داریم که چرا، افرادی را هم برای این کار اجیر می کنند. مراقب باشید در این دام نیفتید. ایرانی چه شیعه اش و چه سنی اش، مراقب باشد در این دام نیفتد.

ما البته به برادران خودمان در سعودی و در جاهای دیگر هم نصیحت و توصیه می کنیم که نگذارند؛ مانع بشوند از نفوذ آن دستهای اختلاف افکنی که در آنجاها این اختلافات را تشدید می کنند و به رخ یکدیگر می کشند. این مسئله ی بسیار مهمی است.

یک مسئله هم مسئله ی «برائت» است. قضیه ی برائت از کفار و مشرکین بسیار مهم است. باید همه ی ملت‌های مسلمان در این کار پیشقدم باشند. به نظر ما خود عربستانیها باید در این قضیه پیشقدم شوند. آن کسانی که میزبان حجتند، آنها این کار را باید بکنند. بیش از آنکه میهمانان ایرانی یا میهمانان سایر کشورها درصد این کار باشند، این تکلیف آنهاست. شکی نیست که استکبار جهانی با دنیای اسلام بد است. این بد بودن، فقط هم بغض نیست؛ بلکه ابراز بغض و دشمنی کردن است؛ نه اینکه دشمنند و نشسته اند کنار تماشا می کنند؛ نه، دشمنی هم می کنند. قصدشان این است که دنیای اسلام را به کلی از حقیقت اسلام خالی کنند؛ این دیگر حرفی نیست که احتیاج به

اثبات و استدلال داشته باشد. این را همه ی مسلمانهایی که چشمشان باز است، مشاهده می کنند. اینها دشمن مسلمانهایند. مایلند اسلام نباشد تا بتوانند بر این ملتها سلطه پیدا کنند؛ اسلام نباشد تا بتوانند بر منابع آنها تسلط پیدا کنند؛ تا بتوانند فرهنگ خودشان را در آنجا رایج کنند، آنها را به بخش درجه ی دو از ملت‌های خودشان تبدیل کنند؛ بخش درجه ی دو و پایین از ملت‌های خودشان.

وقتی يك ملتی، فرهنگ يك ملت دیگر را قبول کرد، همین می شود؛ می شود جزوی از آن ملت، منتها مثل بچه ی ناتنی، مثل جماعت درجه ی پست تر. هم بر طبق میل آنها رفتار می کند، هم مثل خود آن ملت از طرف آن ملت، تحویل گرفته نمی شود. اشتباه این کسانی که سعی کردند رفتار فرنگیها را در همه ی امورشان تقلید کنند، اینجا بود. نفهمیدند که با تقلید رفتار يك قوم و يك ملت و يك فرهنگ، مثل آنها و جزو آنها نمی شوند؛ بلکه تابع آنها و درجه ی دو آنها می شوند. استکبار نسبت به دنیای اسلام همیشه این را خواسته است.

مانع عمده اسلام است. با اسلام بدند به این دلائل؛ و دشمنی می کنند با اسلام؛ اینکه دیگر جای تردید نیست. این دشمنی در شکلهای استکباری، صهیونیستی، خشن، خونین، بی رحمانه و سبعانه هم هست. خوب، آیا جا ندارد مسلمانها نسبت به این رفتار، موضع خودشان را ابراز کنند؟! ما که نمی خواهیم از مکه لشکر راه بیندازیم برویم به سمت يك کشوری، آنجا بجنگیم؛ می خواهیم اعلام موضع کنیم. مسلمانها بگویند که موضعی که در مقابل این غزو استکباری و صهیونیستی چیست. جایش کجاست اگر بخواهند اعلام موضع کنند غیر از مکه؛ غیر از این مجامع عظیم و میقات عظیم امت اسلام. جایش همانجاست. همه باید بکنند؛ همه ی ملتها و همه ی رؤسای کشورها، اگر به این حقیقت توجه کنند و وجدان بیداری وجود داشته باشد. اگر آنها نمی کنند، ما می کنیم. ما کار خودمان را تعطیل نمی کنیم به خاطر اینکه دیگران به این وظیفه عمل نمی کنند؛ این بسیار مهم است. فقط هم اعلام موضع است؛ این، بیان موضع يك کشور است؛ آن هم با استدلال و منطق. سعی بشود این حقیقت به ملت‌های مسلمان تفهیم بشود. در این ارتباطاتی که وجود دارد، این معنا روشن بشود که ما هدفمان از این اعلام برائت چیست و معنای این اعلام برائت چیست؟ اینها تدوین بشود، نوشته بشود، با لغت متناسب و قابل فهم بیان بشود و در اختیار حجاج کشورهای اسلامی گذاشته بشود.

امروز در دنیا شوق به اسلام ناب روزبه روز بیشتر می شود. از اول انقلاب تا به حال، روزبه روز این شوق بیشتر شده است و کمتر نشده است. خیال می کردند که انقلاب مثل شعله ای بود که بلند شد و بعد هم نشست، تمام شد؛ يك عده آدمهای سطحی و ظاهرنگر این طور خیال می کردند. شنیدید که در این چند سال گذشته چه تعبیراتی در این زمینه ها بود: انقلاب تمام شد، انقلاب فراموش شد، موزه ای شد. نمی فهمیدند که آن شعله وقتی که شما نگاه می کنید می بینید فرو نشسته است، تازه نوبت آن آتش گیره های سنگین و ماندگاری است که با آن شعله روشن شده و آنها در طول زمان، خاموش شدنی نیست.

امروز در دنیای اسلام نفرت از استکبار، نفرت از امریکا بالخصوص و نفرت از صهیونیستها و رفتارهای آنها روزبه روز بیشتر شده است. فقط نفرت هم نیست، احساس میل به اقدام در مسلمانها زیاد شده است. لذا شما در فلسطین این قضایا را مشاهده می کنید. البته فلسطین، همان فلسطین پنجاه سال پیش است که آن را گرفتند و تصرف کردند؛ ببینید حالا به چه مجموعه ی نیرومند و قوی ای تبدیل شد که امریکا و صهیونیستها با همدیگر نمی توانند علاج کنند؛ در حالی که آن ملت هیچ چیز هم ندارند و تحت محاصره ی شدید هستند. این همه دارند روی فلسطین فشار می آورند. روزانه دارند کشتار می کنند و فاجعه آفرینی و جنایت می کنند؛ اما از عهده ی آنها بر نمی آیند. يك نمونه ی بارزش همین حادثه ی عجیب و معجزه آسای لبنان بود. آنها خیال می کردند لبنان ضعیف ترین حلقه ی کشورهای دنیای اسلام است؛ اما معلوم شد که یکی از قویترین حلقه هاست؛ دیدید لبنانیها چه کردند، چه کرد حزب الله!

عراق جور دیگری و افغانستان هم يك جور دیگر. در تمام این منطقه، مسلمانها، جوانهای مسلمان و انگیزه های اسلامی رو به رونق بیشتر است. حالا که این هست، باید مسلمانها تشویق بشوند به اینکه این اعلام موضع را - برائت است - روزبه روز بیشتر کنند.

به هر حال، امیدواریم این برنامه هایی که ذکر کردند - هم جناب آقای ری شهری و هم مدیر محترم اشاره کردند؛ این برنامه هایی که نشان می دهد به تصحیح و تکمیل برنامه هایی که در حج همیشه بوده است - ان شاءالله با بهترین وجهی انجام بگیرد. هم نگاه به سازمان و کیفیت کارهای سازماندهی ای که هست، هم نوع وظایف و کارهایی که باید انجام بگیرد. ان شاءالله روزبه روز بایستی با نگاه نو و احساس مسئولیت، این مجموعه ی حج را - هر دو بخش را - تعالی و تکامل بخشید و بهتر از گذشته کرد.

ان شاءالله همه ی این خدمات منظور نظر حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) باشد و ارواح طیبه ی شهدا و روح مطهر امام بزرگوارمان از آن راضی و خشنود باشند.

و السلام علیکم و رحمةالله و برکاته